

تحلیل مراتب هنرمند مسلمان در رویارویی با رمز و بازنمایی آن

سمیه امیدواری^۱، جواد آقاجانی کشتلی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۸-۱۲-۱۴۰۳ □ پذیرش: ۰۱-۰۴-۱۴۰۴ □ صفحه ۵۱-۶۰

Doi: 10.22034/rph.2025.2054993.1118



چکیده

رمز یکی از مفاهیمی است که هنرمند مسلمان در خلق آثار خویش ناگزیر از آن بهره می‌گیرد. بی شک هنرمند مسلمان بنا به مرتبه خویش و جایگاهی که در نظام هستی داشته است قادر به کشف و یا انکشاف رموز عالم به عنوان حقیقتی متجلی در نظام عالم تکوین و در مرتبه بعد تجلی بخشیدن به آن معنا در نظام عالم تشریح بوده است. گشایش رمز و درک معنا از نظام هستی و در مرتبه‌ای دیگر تجلی بخشیدن به آن معنا در قالب صورت رمزی کار هنرمند مسلمان خواهد بود. اما سؤال اصلی آن است که مراتب هنرمندان مسلمان در رویارویی با رمز و بازنمایی آن در هنر چگونه است؟ هدف از انجام پژوهش تعیین نسبی است که هنرمند مسلمان با مراتب مختلف رمز برقرار می‌کند. فرایند خلق هنر اسلامی در گرو رمزگشایی و رمزپردازی در عالم هستی بوده است که هنرمند مسلمان با غور در معنا باید به حقیقت این رموز واقف گردد و آنها را در فرایند خلق هنر، به مرتبه تجلی رساند. روش انجام پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای بوده است که با ابزار شناسه‌برداری از منابع سنتی و منابع مکمل انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی بوده است. مطالعه و غور در میان هنرمندان مسلمان بیانگر آن است که همه هنرمندان در یک مرتبه و جایگاه قرار نداشته‌اند و در نسبت‌های متفاوتی که با آثار هنری برقرار می‌کنند، جایگاه آنها متفاوت خواهد بود. بررسی‌های این تحقیق بیانگر آن است که می‌توان جایگاه هنرمندان را در سه مرتبه حامل رمز، کاشف رمز و خالق رمز دانست که هنرمندان در هر مرتبه نسبت متفاوتی را با حقیقت رمز برقرار می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: هنر اسلامی، صورت و معنا، حامل رمز، کاشف رمز، خالق رمز

۱. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: s.omidvari@sau.ac.ir

۲. استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران.

Email: j.aghajani@sau.ac.ir



مقدمه

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره حدید، آیه ۳).

قائل شدن به معنا برای اشیاء و پدیده‌ها و مفاهیم، موضوع بسیار مهمی است که در طول تاریخ همیشه مورد توجه جوامع و مکاتب مختلف بوده است. در نظر حکما و عرفای ایرانی معنا هم می‌تواند در ظاهر و هم در باطن خود را آشکار نماید. معنای ظاهر، توسط مخاطب عام هم قابل درک است؛ اما معنای باطن و درک و دریافت آن نیازمند دانش و آگاهی شهودی است. معنای باطن رمز و راز است و اشخاص رمزشناس قادر به کشف حقیقت آن هستند. غزالی در بیان اهمیت ظاهر و باطن و قائل شدن این دو وجه برای هر شیء و حتی انسان می‌فرماید: «اگر خواهی که خود را بشناسی، بدان که تو را که آفریده‌اند، از دو چیز آفریده‌اند: یکی این کالبد ظاهر که آن را تن گویند و وی را به چشم ظاهر می‌توان دید و یکی معنی باطن، که آن را نفس گویند و جان و دل گویند و آن را به بصیرت باطن توان شناخت و به چشم ظاهر نتوان دید و حقیقت تو آن معنی باطن است» (غزالی، ۱۳۷۶: ۴۹). آثار هنری نیز به مانند انسان و طبیعت دارای دو بعد «صورت» (ظاهر) و «معنا» (باطن) است. راز و رمز نهفته در معنا در صورت و فرم اثر هنری آشکار می‌شود. در صورت است که مفاهیم رمز و نوع رمزپردازی ظهور می‌کند و رمز، نقش پیوند میان عالم صورت و معنا را ایفا می‌کند.

رمز، متعلق به جهان ناشناخته و غیر محسوس است و یا مفهومی است که به جز معنای مستقیم خویش اشاره می‌کند؛ به شرط آن‌که این اشاره مبتنی بر قرارداد نباشد و آن مفهوم نیز یگانه معنای آن کلمه نباشد. معنای متصوری که در حجاب شکل ظاهری عرضه می‌شود، خویش را به گونه رمز جلوه‌گر می‌سازد (ندیمی، ۱۳۸۷: ۲۷). هر نشانه و رمز و صورتی در هنر قدسی و دینی حاکی از مشاهدات عوالم قدسی و مبتنی بر ایمان هنرمند است. نشانه و رمز در هنر مستقل از مفاهیم و عوالم ملکوتی و تجربیات دینی،

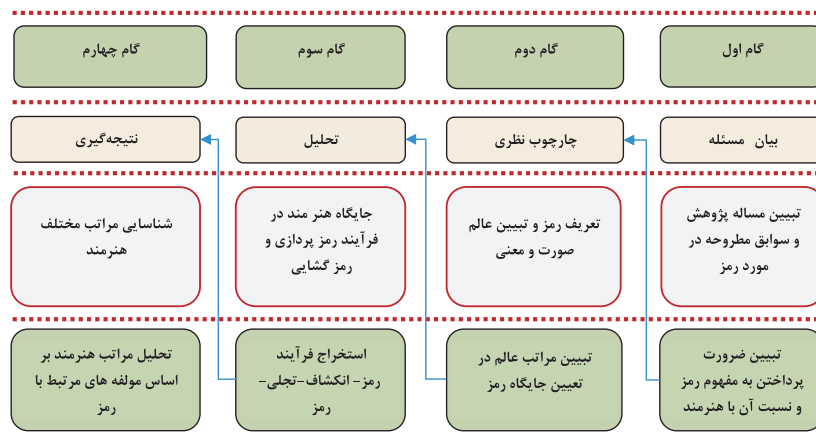
فاقد جنبه قدسی است (نوروزی طلب، ۱۳۷۸: ۱۲۲). مسئله‌ای که این مقاله نیز به تحلیل آن می‌پردازد نسبتی است که هنرمند مسلمان با مراتب مختلف رمز برقرار می‌کند. تحلیلی که بر اساس مراتب جایگاه هنرمند مسلمان در نسبت با مفاهیم رمزپردازی و رمزگشایی در گذر از مرتبه ستر- انکشاف- تجلی- ستر انجام می‌شود. با توجه به اهمیت مفهوم رمز و رمزپردازی در پیوند میان عالم معنا و صورت، لازم است در ابتدا به تبیین مفهوم رمز و دیدگاه صاحب‌نظران در این حوزه پرداخته شود. بر این اساس برای این مقاله یک پرسش در نظر گرفته شده است: مراتب هنرمندان مسلمان در رویارویی با رمز و بازنمایی آن در هنر چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از نظر ماهیت، توصیفی- تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و مبتنی بر ابزار شناسه‌برداری از متون و منابع اصلی سنت‌گرایان و منابع مکمل تشریحی آرای آنان است. این منابع کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع رمز، رمزپردازی و رمزگشایی در هنر اسلامی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. بر این اساس ابتدا مفاهیم کلیدی مانند رمز، معنا و صورت، و جایگاه هنرمند در فرایند خلق اثر هنری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس با تحلیل و تفسیر دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، به استنتاج و استخراج نتایج پژوهش درباره مراتب مختلف هنرمندان در مواجهه با رمز و بازنمایی آن در هنر پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

با توجه به مراتب عالم و جایگاه انسان در ادراک معانی، پژوهش‌های بسیاری در حوزه ضرورت رمز و جایگاه آن در نسبت میان صورت و معنا انجام گرفته است. عمده این پژوهش‌ها در جست‌وجوی چیستی رمز و شیوه‌های تجلی آن در هنر و معماری



مبانی نظری

تأملی بر مفهوم رمز

زبان راز و رمز یکی از روش‌های بیان و خلق آثار هنری و ادبی توسط هنرمند است؛ به طوری که برخی از مکاتب و جریان‌های هنری مانند هنر مفهومی، هنر انتزاعی، هنر خلق شده بر اساس مؤلفه‌های دینی و مذهبی، هنر تولید شده توسط هنرمندان اهل عرفان و یا فتوت، آثار هنری ایجاد شده در بستر نماد، نشانه و اسطوره با زبان رمز و راز پیوند نزدیک دارند. جریان ادبی عراقی نیز که بیشتر بر روی معنا تأکید دارد و در واقع به برتری معنا بر صورت قائل است با این رویکرد قرابت دارد.

به‌رغم وسعت معنایی «رمز»، واژه سمبل تنها معادلی است که در فرهنگ‌های لاتینی برای این کلمه آمده است. با مقایسه معانی لغوی و اصطلاحی سمبل و رمز، در همه معانی یک صفت مشترک وجود دارد و آن پوشیدگی و عدم صراحت است؛ یعنی، آن چه ظاهر یک علامت یا شیء یا کلام یا شکل (به اعتبار مدلول آن) نشان می‌دهد و دلالت می‌کند، مقصود نیست بلکه منظور، معنا و مفهومی است که در ورای ظاهر آن قرار دارد (اکبری، ۱۳۹۰: ۵۴). در میان آیات قرآن کریم تنها یک آیه وجود دارد که صریحاً اشاره به واژه رمز داشته است. «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تَكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزَمًا وَادُّكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (سوره آل عمران، آیه ۴۱).

در اصطلاح تصوف رمز عبارت است از معنی باطنی که مخزون در تحت کلام ظاهری است و غیر اهل را بدان دسترسی نیست (پارسا، ۱۳۹۰: ۳۴). در اینجا رمز به معنای مرموز- یعنی پوشیده در زیر کلام ظاهر- دلالت دارد. به عبارت دیگر رمز در اینجا معدل ماثول یا معنای باطن یا «symbolized» است و نه به معنای مثال یا «symbol» یا ظاهر که باطن را در خود پوشیده می‌دارد (اکبری، ۱۳۹۰: ۵۴). زبان رمزی، اصلی‌ترین وسیله صوفیه برای بیان تجربه‌های درونی آنان بوده است. یکی از انگیزه‌های عرفا در کاربرد زبان رمزی، مخفی نگه داشتن اسرار غیبی از اغیار بوده است. انگیزه دیگری که برای این کار بر شمرده شده، حفظ جان و به عبارتی نوعی تقیه، منتها در حوزه تصوف است (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۴).

پیرامون مقوله رمز، صورت و معنا، ظاهر و باطن و مفاهیم مرتبط با آن نوشته‌های بسیاری وجود دارد و در این خصوص سخن بسیار گفته شده است. تأملات میرچا الیاده در این باب بسیار جالب توجه است. از نظر وی «رمز»، دنباله تجلی قداست (اسطوره) و در حکم تبلور آن است و مبدأ تجدید حیات روحانی انسان مدرن، بازپس رفتن تا ریشه و اصل رمزها و تصاویر خیالی، برای بازبانی معنای وجود شناختی آنها است (ستاری، ۱۳۷۲: ۲۷). رمز موجب یا وسیله انتقال یا صعود ذهن به مرتبه دیگر اما ناشناخته و غیبی

اسلامی بوده است. از سویی بخش دیگری از مقالات منتشر شده به بررسی اهمیت هنرمندان در خلق آثار هنر و معماری اسلامی پرداخته‌اند. در میان این مطالعات کمتر جایگاه هنرمندان در فرایند خلق اثر هنری و مراتب هنرمندان در رویاروی با رمز و بازنمایی آن پرداخته شده است. این پژوهش در پی یافتن مراتب هنرمندان مسلمان در خلق آثار هنری در نسبت با رمز بوده است. در زیر به معرفی بخشی از سوابق پژوهشی این موضوع اشاره شده است.

چاکری، داودی رکن‌آبادی، و شریف‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تجلی مفهوم رمز در هنر اسلامی بر اساس تئوری نشانه‌شناسی فرهنگی امبرتو اکو (مطالعه موردی: طلسم‌های ایرانی-اسلامی)» به بررسی نمادها و نشانه‌ها در هنر اسلامی می‌پردازند و تأکید می‌کنند که این عناصر به انتقال معانی عمیق عرفانی و حکمت الهی کمک می‌کنند. نویسندگان با استفاده از تئوری نشانه‌شناسی فرهنگی، به تحلیل طلسم‌های اسلامی و ریشه‌های فرهنگی آنها پرداخته‌اند. بهروزی‌پور (۱۳۹۸) هم در مقاله «صورت، بیان و معنا در نگارگری ایران بر پایه دیدگاه‌های دینی و عرفانی تیتوس بورکهارت و سیدحسین نصر» با تکیه بر دیدگاه‌های تیتوس بورکهارت و سیدحسین نصر، به بررسی پیوند نگارگری ایرانی با مفاهیم دینی و عرفانی می‌پردازند. نگارگری به عنوان تجلی توحید، معانی الهی را از طریق فرم‌های هنری منتقل می‌کند و نقش مهمی در انعکاس بینش فرهنگی و معنوی جامعه ایرانی دارد. هنری، احمدرضا (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل و بررسی جایگاه رمزپردازی در هنر اسلامی» به بررسی نقش نمادها و رموزها در هنر اسلامی و تأثیر آنها بر زیبایی‌شناسی آثار هنری می‌پردازد. نویسنده با رویکرد توصیفی و تحلیلی، به تحلیل عمیق مفاهیم پنهان و معنای نمادین در آثار هنری پرداخته و اهمیت آنها را در انتقال معارف باطنی مورد تأکید قرار می‌دهد.

قنبری، سلطان‌زاده و نصیرسلامی (۱۳۹۶) در مقاله «تطبیق نشانه‌شناسانه الگوی معماری ارگ کریمخان با درونمایه‌های فرهنگ ایلاتی زندیه» به تحلیل نشانه‌شناسانه معماری ارگ کریمخان در ارتباط با مضامین فرهنگی ایل زندیه می‌پردازند. نویسندگان تأثیر فرهنگ، باورها، نیازها، اقلیم و شرایط محیطی را بر شکل‌گیری این اثر بررسی کرده و نقش ارزش‌های فرهنگی و عملکردی را در طراحی معماری گذشته تحلیل می‌کنند. حلبی و ستاری‌فرد (۱۳۹۶) در مقاله «نگاهی به نمادهای عرفانی در معماری ایرانی-اسلامی» به تحلیل نقش نمادهای عرفانی در معماری ایرانی-اسلامی می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه هنرمندان مسلمان با استفاده از آرایه‌های هندسی، گیاهی و حیوانی، عقاید دینی و مذهبی خود را بیان کرده‌اند. نویسندگان تأکید دارند که این نمادها بازتاب‌دهنده ایمان، جاودانگی و خلوص در هنر اسلامی هستند.

که در آن پرورش یافته است، شیوه‌های متفاوتی را برای حصول به این تجلی در هنر خویش برمی‌گزیند. غالباً در انتقال معانی از عالم معنا به عالم صورت، چون عالم صورت ظرفیت پذیرش همه معانی را به شکل کامل و واضح ندارد لذا رمز به کمک هنرمند می‌آید تا بتواند معانی را در پرده ابهام بیان نماید تا هر کس برحسب میزان فهم و قوای ادراکی به رمزگشایی آن بپردازد. صورت رمز با معنای پنهان آن رابطه‌ای حقیقی، تکوینی و وجودی دارد یا به عبارت دیگر، صورت رمز تجلی معنای باطنی آن است. صورت عالم پایین‌تر، رمز عالم بالاتر است و بدین ترتیب این صورت، معنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر از سعه وجودی خویش را جلوه‌گر می‌سازد. پس رمز به صورت یک نردبان معنایی عمل می‌نماید که پله‌پله ادراک انسان را به حقیقت وجود عروج می‌دهد. اگر این توسعه تدریجی و رمزی در معنا نبود، وجود محدود نمی‌توانست امکان ادراک دفعی نامحدود را داشته باشد (ندیمی، ۱۳۷۸: ۲۷-۲۸).

فرایند «ستر-انکشاف-تجلی» در خلق آثار هنری عالم هستی واجد مراتب مختلف می‌باشد. مرتبه‌ای از آن متعلق به عالم معنا و مرتبه‌ای متعلق به عالم صورت است. در میان این دو مرتبه، مراتب دیگری نیز وجود دارد. اما هر مرتبه نسبت به مرتبه بالاتر از خود حکم حجاب را دارد که مانع از ادراک معانی و حقایق مراتب بالا در مراتب عالم پایین‌تر می‌گردد. عالم ماده و عالم صورت عالم تکثر است. هرچه در دایره هستی به مراتب بالاتر برویم به سمت وحدت نزدیک شده و از تکثر رها خواهیم شد. در عالم صورت، هر معنا می‌تواند جلوه‌های مختلفی را به خود اختصاص دهد که آن جلوه‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف هنری مصادیق مختلفی بگیرند. به اعتقاد افلاطون همیشه یک تناظر بین عالم معنا و عالم صورت وجود دارد و در حقیقت عالم صورت فقط سایه‌ای از عالم معنا است که آن عالم بالا یا عالم معنا به عالم مثل افلاطونی معروف می‌باشد.

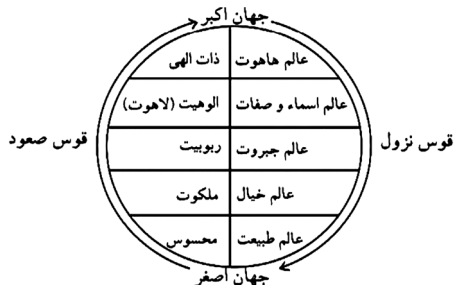
غالباً در انتقال معانی از عالم معنا به عالم صورت، هنرمند یک مرحله رمزگشایی و یک مرحله رمزپردازی را طی خواهد

است (ستاری، ۱۳۸۷: ۶-۷). کوماراسوامی معتقد است که «نیاز به نمادها و رمزها وقتی پدید آمد که انسان از بهشت عدن رانده شد، و لذا وظیفه هنر مقدس و نمادهای آن عبارت است از یاری به انسان در کوشش او برای وصول مجدد به بهشت» (تقوایی، ۱۳۹۰: ۸). بر اساس نوشته‌ها در منابع مختلف می‌توان این‌گونه توضیح داد که انسان از ابتدای آفرینش، خلقت طبیعت، خلقت موجودات و انسان و مرگ را نیز رازآلود می‌دانسته و در طول تاریخ تمدن حضورش در جهان به دنبال کشف و پرده برداشتن از حقایق بوده است. تلاش انسان برای روشن شدن حقایق و پرده‌برداری از پدیدارها و انکشاف حقیقت به طرق گوناگون در آثار تولید شده توسط انسان نمودار است. هایدگر آلمانی معتقد است که هنرمند با خلق اثر دست به انکشاف حقیقت می‌زند و سعی دارد رازهای نهفته را آشکار سازد.

جایگاه رمز در رابطه با صورت و معنا (رمزپردازی و رمزگشایی در فرایند خلق اثر هنری)

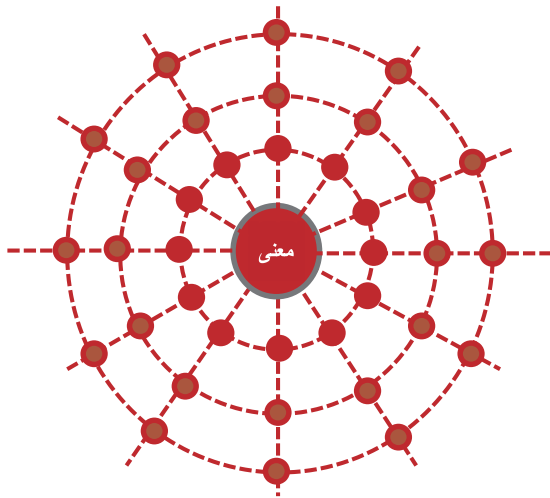
در فرهنگ ایرانی، همواره تعادلی بین عالم صورت و معنا یا جهان مادی و معنوی وجود داشته است که در انسان کامل متجلی می‌شود. این انسان که پایش بر فرش و سرش ساییده عرش است، تعادل تام بین عالم مادی و معنوی را ایجاد کرده و در هماهنگی با محیط طبیعی خود به سر می‌برد. آرامش درونی او در عین تکاپوی بیرونی، در صلح و صفای حیات جامعه انسانی منعکس است و با تسلط بر نفس خویش بر کون و مکان نیز حکم فرماست. این تعادل بین درون و برون، زمین و آسمان، جلوه‌ای از ارتباطی است که در فرهنگ ایران بین وحدت و کثرت وجود دارد. از لحاظ عرفانی و فلسفی، کثرت تجلی وحدت و وحدت منشأ کثرت است. ایران همواره بین کثرت نفوذهای فرهنگی و مکتب‌های گوناگون، یکپارچگی و وحدتی ستایش‌انگیز پدید آورده است. این وحدت به نوبه خود، سرچشمه نهرهای پرفیض به سوی عالم کثرت و دنیای متفاوت در شرق و غرب شده است. به‌طورکلی، فرهنگ ایرانی به عنوان یک ساحت واحد، هم عرصه معنوی و هم عرصه مادی زندگی انسان‌ها را به هم پیوند می‌زند. این ویژگی نه تنها در ادبیات کهن ایران بلکه در تمام ابعاد فرهنگی آن قابل مشاهده است و نشان‌دهنده غنای فرهنگی و تاریخی این سرزمین است (بهروزی پور، ۱۳۹۸: ۱۴۰ به نقل از: نصر، ۱۳۸۳: ۶-۷). (تصویر ۱)

رنه‌گون با اعتقاد به رابطه صورت و شکل و مراتب آن، آنچه را که بالاتر است صورت آنچه پایین‌تر است دانسته، و مراتب پایین‌تر را رمز مراتب بالاتر برشمرده است (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). وجود جفت‌های صورت و معنا، یکی از نظاماتی است که در عالم تکوین و به دنبال آن در عالم تشریح واجد اهمیت بوده است. ارتباط و شیوه‌های تجلی معنا در صورت در جلوه‌های مختلف هنری متفاوت بوده است. یک هنرمند بسته به جهان‌بینی و فرهنگی

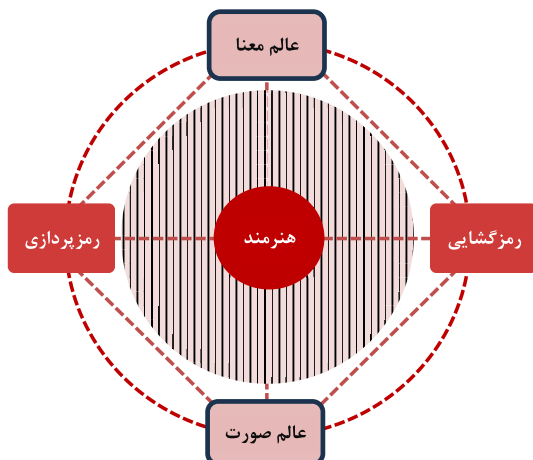


تصویر ۱. مراتب عالم از منظر ابن عربی (صادقی، ۱۳۹۸: ۴۵).

فرایند خلق اثر هنری است. (تصویر ۳)
در مرحله کشف رموز یا انکشاف، هنرمند از عالم طبیعت رمزگشایی کرده است و معانی را از عالم طبیعت یا ماده و یا عالم تکوین استخراج کرده است؛ اما در مرحله تجلی، معانی باید وارد دست ساخته‌های انسانی شود. این مرحله را در فرایند خلق اثر می‌توان در قالب «تجلی» بیان داشت. از آنجا که در مرحله تجلی معانی عظیم باید مجدداً در قالب صورت‌های عالم مادی درآیند لذا هنرمند ناگزیر است که بار دیگر از رمز بهره گیرد و آن را در قالب صورت‌هایی رمزگونه تجلی بخشد. پس شاید بتوان گفت کار هنرمند رمزگشایی و رمزپردازی بوده است. او معانی را در قالب صورت‌ها و



تصویر ۲. مراتب صورت در عالم در نسبت با عالم معنی. دایره‌ها بیانگر صورت‌های متفاوت معانی و مفاهیم در مراتب مختلف هستی است. به نسبت دور شدن از مرکز دایره، از مرتبه خلق رمز فاصله گرفته و به مرتبه حمل رمز نزدیک می‌شویم. صورت‌ها در هر مرتبه برای مرتبه دورتر (پایین تر) زبان رمز را دارد.



تصویر ۳. رمز پردازی و رمزگشایی در نسبت با عالم صورت و معنا.

کرد. در محله رمزگشایی او به گشایش رمزهای عالم طبیعت و به بیانی عالم تکوین می‌پردازد و در واقع دست به کشف یا انکشاف رموز این عالم می‌زند. بی‌شک رمز بواسطه قوه عاقله و یا احساس، گشوده نخواهد شد بلکه ضرورت قوای کشف و شهود در درون انسان برای رمزگشایی وجود دارد. یک قوای ادراکی سالم قابلیت گشودن رمزها را دارد لذا تربیت نفس جهت توانا شدن قوای کشف و شهود و رمزگشایی وجود داشته است. رمز خیال مخاطب را به بازی می‌گیرد و انسان را به تامل فرا می‌خواند و لذا هرکس بسته به خلیقات و روحیات و توانایی قوای ادراکی خود به گونه‌ای به ارتباط با هستی خواهد پرداخت. (تصویر ۲)

مرحله دوم، مرحله رمزپردازی است که لازم است هنرمند معانی عمیق را وارد عالم صورت کند که این فعل، تجلی خوانده می‌شود. خداوند عالم را رمز گونه خلق کرده تا هر کس بتواند با قوای ادراکی خود فهمی از این عالم داشته باشد، لذا هنرمند نیز به عنوان خلیفه... و جانشین خداوند بر روی زمین لازم است هنر را به گونه‌ای رمزگونه خلق کند و در واقع در پرده ابهام سخن گوید. کاربرد رمز در هنر یعنی، در پرده صحبت کردن و تنزیل حقایق در پرده‌های مختلف یا تنزیل حقایق به طوری که در لایه‌های مختلف قابل درک باشد و یا هر کس بسته به قوای ادراکی و توانایی ذهنی خویش برداشت و فهمی از آن داشته باشد. لذا وجود رمز در محیط ارتباط تنگاتنگی با کیفیت‌های فضایی داشته است.

در زندگی یک انسان مسلمان پاسخ به نیازهای مادی، محملی است برای پاسخ به نیازهای معنوی یا نیازهای فرامادی؛ یعنی اینکه هر هنرمند یا صنعتگری باید چنان به ارائه پاسخ به اولین و ضروری‌ترین نیاز انسان پردازد که خود بتواند خواسته‌های فراتر او را هم پاسخ دهد. و این امر بی‌شک جز به واسطه حضور رمز و رمزپردازی و رمزگشایی در هستی امکان‌پذیر نمی‌شود.

با بیان مراتب این عوالم و نسبت آنها در رمزپردازی و رمزگشایی به دست هنرمند؛ می‌توان قائل به سه مرتبه «ستر» (مستوری)، «انکشاف» و «تجلی» در فرایند خلق یک اثر هنری شد. عالم هستی عالم صورت می‌باشد و لذا حقایق و معانی در آنها ظاهر نبوده؛ بلکه در پرده‌ای از حجاب قرار دارد. لذا هنرمند باید در ابتدا به کشف این معانی و حقایق دست یابد. یکی از جلوه‌های عالم تکوین که می‌توان با تعمق در آن به کشف حقایق رسید طبیعت است. شاید بتوان گفت حقایق عالم معنا در عالم صورت و عالم هستی در حالت ستر قرار داشته‌اند و یا مستتر بوده‌اند. وظیفه هنرمند کشف این معانی است که در عالم صورت، زبان رمز را به خود گرفته است و به زبانی کار هنرمند رمزگشایی از این عالم بوده است. هنرمند به واسطه قوه ادراک و شهود خویش رموز این عالم را کشف می‌کند. لذا می‌توان گفت انکشاف رموز عالم و یا پرده برداشتن از رموز هستی، یکی از مراحل مهم در

رموز بیان می‌دارد تا هرکس به قدر وسع خود به ادراک این مقولات بپردازد. بنابراین یکی از مراحل مهم در مسیر تبدیل معنا به صورت، مرحله تجلی است یعنی از ناپیدایی به پیدایی رساندن. این پیدایی در حوزه هنرهای مختلف صورت‌های متفاوتی را به خود خواهد گرفت. همان‌طور که در حدیث قدسی آمده است «کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن اعرف فخلقت الخلق لکی أعرف» و یا در تعبیر «عالم تجلی اسماء صفات الهی است»، مطرح می‌باشد. (تصویر ۴)

یافته‌های پژوهش

جایگاه هنرمند در فرایند خلق اثر هنر (حامل رمز، کاشف رمز، خالق رمز)

جایگاه هنرمند در فرایند خلق یک اثر هنری بسیار با اهمیت است. اندیشه، جهان بینی، بینش و تفکرات یک هنرمند، نقش بسیار مؤثری را در خلق اثر هنری توسط او دارد. از نظر یک انسان مسلمان یا انسانی که در بستر اندیشه دینی پرورش یافته است قوای ادراکی وی؛ حس، عقل، کشف و شهود می‌باشد. نگاه این انسان به هنر نه صرفاً یک شغل و حرفه برای کسب درآمد، بلکه یک رسالت است. او رسالت یک هنرمند را رمزگشایی از عالم می‌داند؛ رمزگشایی‌ای که بتواند رمز عالم هستی را انکشاف کند و در قالب هنر این رموز را به تجلی برساند. لذا هنرمند زمانی می‌تواند به رمزگشایی عالم بپردازد که قوای ادراکی مناسبی داشته باشد چراکه رمزگشایی باید به واسطه قوه ادراک و شهود صورت گیرد. این انسان باید بتواند از نفس یا قوای ادراکی خود غفلت‌زدایی کند تا توان کشف و شهود در عالم را کسب کند و بتواند به خلق مناسب در هنر دست یابد؛ چراکه به تعبیر حکماء «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

هنرمند مسلمان غالباً در یک فرهنگ و تمدن سنتی نزد استادکار به آموزش مهارت هنر می‌پردازد؛ اما قبل از اینکه استاد، مهارت را به وی آموزش دهد، اخلاق و مرام آن حرفه را به او می‌آموزاند. ابتدا استادکار شاگرد را به سبب دور کردن وی از رذایل اخلاقی تزکیه می‌کند و این چنین است که این عمل همراه

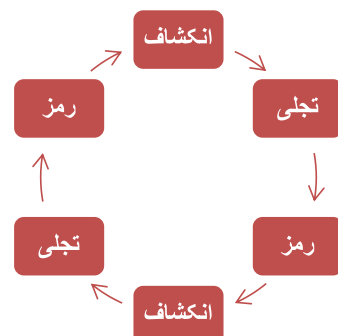
و همگام با آموزش حصولی مهارت برای وی اتفاق می‌افتد. آنچه از سیر و سفر در بوستان فتوت‌نامه‌ها و در عرصه صنعت و هنر می‌توان دریافت این است که صنعت و هنری که نزد آنان بود، امانتی الهی دانسته و آن را به منشاء قدسی حوالت داده‌اند و از سویی شرط ورود به صنعت و پیشه را آراستگی و ادب دانسته، و اهلیت یافتن و تخلق به اخلاق جوانمردی و پاک‌گردیدن از هرگونه رجس و ناپاکی را شرط حضور برشمرده‌اند. شاگرد در اولین قدم می‌بایست از توقف در عادات بد، خودبینی، خودپسندی‌ها و غرور و دنیاطلبی پرهیز می‌کرده و وجود خویش را برای درک حقایق و رموز آماده می‌کرده است (ندیمی، ۱۳۸۵: ۵۳).

تادیب نفس هنرمند فقط در حیطه عمل و کار وی اتفاق نمی‌افتد. این هنرمند با این باور زندگی می‌کند که هنر تراوشات و تجلیات نفس و درون وی بوده است و لذا در کنار کسب مهارت از استادکار که شرط لازم و مهم برای هر هنر و حرفه‌ای بوده است به تربیت و تزکیه نفس و درون نیز همت گمارده است. اگرچه هنرمندان واجد مراتب و درجات مختلف بوده‌اند و مقام و مرتبه آنها به یکدیگر متفاوت است؛ اما برخی از هنرمندان که در تأدیب و تزکیه نفس کوشیده‌اند توانسته‌اند به مقامی برسند که خداوند باب حکمت را به روی آنها بگشاید. علم حکمت یعنی توانایی انسان در ادراک قوانین و نظامات عالم و توانایی تشخیص جایگاه حقیقی اشیاء مختلف در منظومه هستی. لذا هنر اسلامی تراوشات نفس متعادل آنها بوده است.

هنرمندان در فرایند خلق آثار هنری هر یک بسته به میزان تزکیه و تأدیب نفس خویش و ارتباط با عالم معنی، نسبت‌های متفاوتی با مقوله رمز داشته‌اند. نحله‌ای به ادراک حقیقی رمز و تجلی بخشیدن به آن در هنر و نحله‌ای دیگر تنها صورت این رموز را بی‌فهم معانی والا و حقیقی آنها به دوش می‌کشند. لذا می‌توان سه مرتبه برای هنرمندان در نسبت آنها با مفاهیم رمز بیان داشت که از جمله مرتبه حامل رمز، کاشف رمز و خالق رمز است. در هنر اسلامی، رابطه این سه مرتبه بسیار پیچیده و چندلایه است. این رابطه به صورت مداوم در حال تغییر و تحول بوده و هر نسل جدید از هنرمندان و پژوهشگران، تعبیر و تفسیرهای جدیدی از آثار هنری ارائه می‌دهند. (تصویر ۵)



تصویر ۵. مراتب هنرمند در نسبت با رمز در فرایند خلق اثر هنری.



تصویر ۴. فرایند کشف و تجلی رمز توسط هنرمند مسلمان.

الهی دارند (بهریزی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۴۰). خالقان رمز هنرمندانی هستند که با استفاده از زبان هنر، پیام‌ها و معانی پنهانی را در آثار خود متجلی می‌کنند. این هنرمندان با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف هنری از جمله نقاشی، خطاطی، معماری و سفالگری؛ مفاهیم دینی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی را به صورت رمزآلود منتقل می‌کنند. آنها از نمادها، اشکال هندسی، رنگ‌ها و کتیبه‌ها برای بیان معانی عمیق‌تری استفاده می‌کنند که فراتر از سطح ظاهری آثار است.

سهروردی، مولانا و حافظ را می‌توان خالقان رمز در حوزه هنر و ادبیات دانست. سهروردی در اندیشه‌های خود به زیبایی و کمال اشاره کرده و بر این باور است که هرچه در نهایت کمال قرار دارد، زیباست. مولانا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران و عارفان اسلامی، مفاهیم عمیق عرفانی را به زبانی قابل فهم برای عموم تبدیل کرده و هنر را وسیله‌ای برای بیان تجلیات الهی می‌داند. حافظ نیز با استفاده از نمادها و اشارات عرفانی، معانی عمیق‌تری را در اشعارش منتقل کرده است.

خالقان رمز به نوعی واسطه بین عالم معنی و صورت هستند و با تجلی حقایق کشف شده، مخاطب را به دنیای جدیدی دعوت می‌کنند. آنها با نوآوری و خلاقیت، قادر به خلق آثار جدیدی هستند که بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی، فرهنگی و روحانی می‌باشد. این هنرمندان نه تنها به کشف حقیقت‌های پنهان در هنرهای سنتی پرداخته‌اند بلکه خود نیز توانایی خلق رموز جدیدی دارند که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ و هنر داشته باشد. آثار آنها معمولاً تأثیرات عمیقی بر جامعه دارند و می‌توانند موجب تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی شوند. (جدول ۲)

کاشف رمز

کاشفان رمز هم هنرمندان اند و هم مخاطبان. در واقع هنرمندان و مخاطبانی هستند که به درک مناسبی از مفاهیم پنهان و حکمت نهفته در هنرهای سنتی و اسلامی دست یافته‌اند. این هنرمندان و مخاطبان با استفاده از نمادها و اشکال موجود در آثار هنری، به تفسیر و بسط معانی پرداخته و در واقع در حلقه واسط میان خالقان رمز و حاملان رمز قرار گرفته‌اند. به دلیل این‌که در سؤال و مسئله این مقاله هدف، تحلیل هنرمند است بنابراین از پرداختن به بحث مخاطب پرهیز شده است. آنها توانایی تحلیل و تفسیر آثار هنری دارند و می‌توانند به عمق معنایی آثار دست یابند. این درک عمیق به آنها اجازه می‌دهد تا آثار را نه تنها از منظر تکنیکی، بلکه از جنبه‌های فلسفی و روحانی نیز بررسی کنند. کاشفان رمز (هنرمندان) با استفاده از دانش تاریخ هنر، نمادشناسی، زبان‌شناسی و سایر علوم مرتبط، به رمزگشایی آثار هنری می‌پردازند. آنها با بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها، مفاهیم پیچیده‌ای را منتقل می‌کنند که می‌تواند بازتاب‌دهنده تجربیات انسانی و اجتماعی باشد.

خالق رمز

هنرمندان اسلامی که نسبت نزدیک‌تری با سنت الهی داشته‌اند، صورت را همانند ظرفی از اسرار برای بیان معانی قرار داده‌اند که آدمی را متذکر به کلام الله کند. این معنا را فقط آشنایان به این راه درک می‌کردند. هنر اسلامی، نتیجه تجلی توحید در ساحت کثرت است. این هنر به شیوه‌های ناپیدا، منعکس‌کننده احدیت و اتکای همه کثرات به احد است. وجود تمام موجودات خلقتی است که خداوند در قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «ربنا ما خلقت هذا باطلا». بنابراین، هنر اسلامی حقایق و افعال ازلی را در ساحت عالم طبیعی که مستقیماً به وسیله حواس ادراک‌پذیر است، ظاهر می‌سازد و این نردبانی است برای سفر نفس از دیدنی و شنیدنی به آن نادیدنی. این دیدگاه در ادبیات فارسی نیز بازتاب یافته است، جایی که حافظ می‌گوید:

تا نگرودی آشنا زین پرده رمزی نشنوی

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

(حافظ، ۱۳۸۰: ۱۷۱)

در واقع، هنر اسلامی نه تنها به عنوان یک بستر فرهنگی، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال معانی عمیق و روحانی عمل می‌کند و هنرمندان با استفاده از آن سعی در نزدیک کردن انسان به حقیقت

جدول ۲. تحلیلی بر رویارویی هنرمند خالق رمز با مؤلفه‌های مرتبط با رمز.

مؤلفه	توضیح
هدف هنرمند	هدف هنرمند ادراک مراتب معانی در هستی است تا بتواند به واسطه این ادراک امکان تقرب و نزدیکی بیشتری را با عالم معنی به دست آورد. از این منظر هدف هنرمند خلق رمز نیست؛ بلکه در فرایند ادراک و بازنمایی معانی، رموز به صورت ناخودآگاه در اثر هنری ظاهر می‌شوند.
میزان درک رموز	هنرمند در این مرتبه می‌کوشد رموز عالم تکوین و بعضاً عالم تشریح را انکشاف و ادراک نماید و بسته به مرتبه هنرمند، مرتبه‌ای از این رموز برای وی قابل ادراک است.
نسبت هنرمند با صورت و معنا	هنرمند به واسطه ادراک معانی در مرتبه بالاتر و تلاش برای انتقال این معانی به مرتبه انسانی، ناگزیر از استفاده از صورت‌ها به زبان رمز بوده است.
نسبت هنرمند با معرفت و مهارت	هنرمند باید به دو قوا توانمند باشد. معرفت از حیث درک مراتب هستی و مهارت از حیث توانمندی در انتقال معانی به زبان هنر.
نسبت با انکشاف و تجلی	هنرمند به واسطه تامل و انکشاف رموز، به ادراک بالاتری از عالم معنی دست پیدا می‌کند و به زبانی رموز را انکشاف می‌کند اما در تجلی معانی در هنر به دلیل آنکه عالم صورت در مرتبه پایین‌تری قرار دارد، ناگزیر به خلق رمز توسط هنرمند در آثار هنر و معماری اسلامی بوده است.

حامل رمز

حاملان رمز هنرمندانی هستند که نقش واسط میان هنرهای اسلامی و معاصر را ایفا می‌کنند. این هنرمندان، اگرچه به عمق معنایی و حکمت پنهان در هنرهای اسلامی دست نیافته‌اند، اما با تمرکز بر فنون و خلق فرم‌های ظاهری این هنرها، توانسته‌اند میراث فرهنگی گذشته را به نسل‌های جدید منتقل کنند. آنها بیشتر از منظر مهارت و تکنیک به هنر نگاه می‌کنند و آثارشان غالباً بر اساس تقلید از نقوش و فرم‌های اسلامی شکل می‌گیرد. حاملان رمز با استفاده از ابزارهایی مانند نقاشی، کاشی‌کاری و یا سفال‌گری آثاری خلق می‌کنند که ممکن است جذابیت بصری داشته باشد، اما فاقد عمق معنایی است. این آثار اغلب حاوی پیام‌هایی درباره نظم کیهانی یا مفاهیم فلسفی هستند، اما خود هنرمندان معمولاً از درک عمیق این مفاهیم غافل‌اند. با این حال، چالش‌های بسیاری پیش روی حاملان رمز وجود دارد. آنها به دلیل تمرکز بر تقلید و بازتولید فرم‌های ظاهری، اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرند که هنرشان سطحی و فاقد نوآوری است. این هنرمندان معمولاً به جنبه‌های اقتصادی هنر توجه بیشتری دارند و تلاش می‌کنند تا با جذب مخاطب بیشتر، آثار خود را به بازار عرضه کنند. با این حال، نقش آنها در حفظ و انتقال تکنیک‌ها و فرم‌های سنتی انکارناپذیر است. حاملان رمز با استفاده از مهارت‌های خود توانسته‌اند آثاری تولید کنند که اگرچه از عمق معنایی بی‌بهره‌اند، اما همچنان حامل ارزش‌های بصری و فرهنگی هستند. برای ارتقاء جایگاه این هنرمندان، نیاز است که آنها به درک عمیق‌تری از مفاهیم پنهان هنرهای اسلامی دست یابند و تلاش کنند تا از سطح ظاهری فراتر رفته و ارتباط معنادارتری با مفاهیم فلسفی و عرفانی برقرار کنند. (جدول ۴)

جدول ۴. تحلیلی بر رویارویی هنرمند حامل رمز با مؤلفه‌های مرتبط با رمز.

مؤلفه	توضیح
هدف هنرمند	ساخت اثر هنری و رضایت مخاطبان بیرونی هدف اصلی هنرمند بوده است.
میزان درک رموز	این هنرمندان قائل به وجود رمز در آثار هنر و معماری اسلامی نبوده‌اند و آثار را عموماً از منظر تکنیک مورد بررسی قرار می‌دهد.
نسبت هنرمند با صورت و معنا	هنرمندان در این مرتبه بعضاً معنی را درک نمی‌کنند و یا مرتبه‌ای از معنی را برای آثار هنر و معماری اسلامی قائل نبوده‌اند.
نسبت هنرمند با معرفت و مهارت	هنرمندان در این مرتبه، متخصص در حوزه مهارت بوده‌اند و تکنیک را به درستی ادراک می‌کنند اما ممکن است فراتر از مهارت و تکنیک در خلق اثر، جایگاهی را برای هنرمند قائل نباشند. معرفت هنرمند در این مرتبه چندان مهم نیست.
نسبت با انکشاف و تجلی	هنرمند به واسطه اینکه در مرتبه صورت است و سیری در مراتب معنی نداشته است، لذا مرتبه‌ای از صورت را کشف نمی‌کند و در پی ادراک آن نیست.

در این راستا، کاشفان رمز به عنوان پل ارتباطی بین خالقان رمز (هنرمندانی که رموز جدید خلق می‌کنند) و حاملان رمز (هنرمندانی که فقط به تقلید می‌پردازند) عمل می‌کنند. آنها با تفسیر آثار گذشته و ترجمه آنها به زبان معاصر، به غنای فرهنگی جامعه کمک می‌کنند. این هنرمندان به صورت توجه دارند؛ اما آن را تنها وسیله‌ای برای انتقال معنا در نظر می‌گیرند. همچنین کاشفان رمز در تلاش‌اند تا با استفاده از اشکال و نقوش سنتی، معانی جدیدی را به وجود آورند. پژوهش‌گرانی که به بررسی نمادهای اسلامی در معماری مساجد می‌پردازند، نمونه‌ای از این کاشفان هستند که تلاش می‌کنند تا رموز نهفته در این آثار را کشف کرده و درک عمیق‌تری از مفاهیم پنهان آنها ارائه دهند. این کاشفان با عبور از مرزهای ظاهری هنر، توانسته‌اند آثار ماندگاری خلق کنند که نه تنها زیبایی‌شناسی را در نظر دارند، بلکه حامل پیام‌های عمیق عرفانی و فلسفی نیز هستند. بدین ترتیب، نقش کاشفان رمز در پیشرفت هنر معاصر بسیار مهم است؛ زیرا آنها با درک عمیق از هنرهای سنتی و استفاده خلاقانه از نمادها، قادر به ایجاد ارتباطات معنادار بین گذشته و حال هستند. این ارتباطات نه تنها بر غنای فرهنگی جامعه افزوده بلکه موجب تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی نیز خواهد شد. درنهایت، کار این هنرمندان می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه هنری داشته باشد و الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد تا با نگاهی نوین به هنرهای سنتی بپردازند. (جدول ۳)

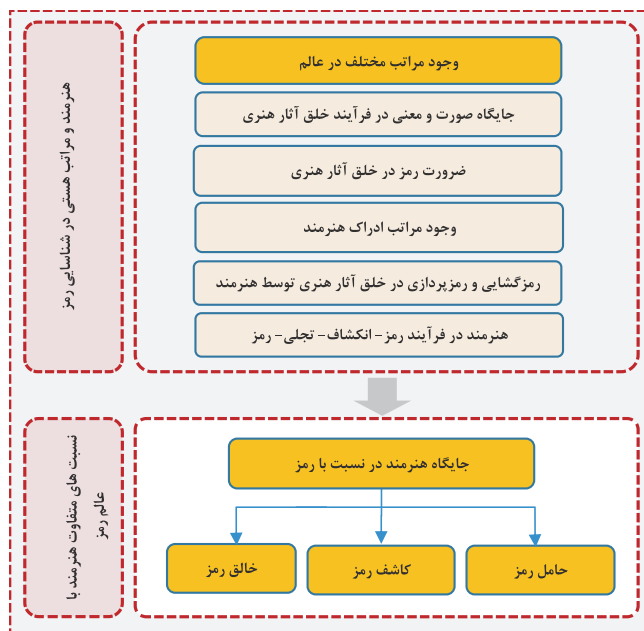
جدول ۳. تحلیلی بر رویارویی هنرمند کاشف رمز با مؤلفه‌های مرتبط با رمز.

مؤلفه	توضیح
هدف هنرمند	هنرمند می‌کوشد تا فهم مناسبی از آثار هنری داشته باشد ولی به دلیل آنکه مانند خالقان رمز نتوانسته است در مراتب بالای معنی غور کند، تنها در مرتبه فهم رموز می‌باشد و می‌کوشد از صورت‌های رمزی موجود در جهت مناسب استفاده کند.
میزان درک رموز	هنرمند در این مرتبه می‌کوشد تا به ادراک رموز در عالم تکوین و تشریح دست یابد اما قطعاً ادراک وی در مقایسه با هنرمندان خالق رمز در مرتبه پایین‌تری بوده است.
نسبت هنرمند با صورت و معنا	این هنرمند به دلیل قرارگیری در حد واسط مرتبه صورت و معنی، مراتبی از معنا را درک می‌کند. وی صورت‌ها را با درک وجود رموز در آنها ادراک و انتقال می‌دهد.
نسبت هنرمند با معرفت و مهارت	این هنرمند مجهز به توان‌مندی و مهارت خلق آثار هنری بوده است و مرتبه‌ای از معرفت را نیز دارا است.
نسبت با انکشاف و تجلی	این هنرمند رموز را کشف می‌کند اما توانایی بازنمایی و تجلی آن را در صورت جدید نداشته است، بنابراین تنها با درک آن معنا، همان صورت را بار دیگر بازنمایی و یا باز تکرار می‌کند.

نتیجه‌گیری

هنر اسلامی دارای دو وجه صورت و معنا و یا ظاهر و باطن بوده است. ظاهر و یا صورت، بنا به اقتضائات بستر و محیط و شرایط مختلف تغییر می‌کند؛ اما آنچه واجد اهمیت است، اندیشه یا معانی حقیقی‌ای است که با گذر زمان هم‌چنان ثابت می‌مانند. صورت، خود راهی برای وصول به معنی است و صورت می‌تواند مورد انکشاف و رمزگشایی قرار گیرد تا معانی نهفته در آن آشکار گردد. آنچه در فرایند خلق هنر اسلامی واجد اهمیت بوده، نوع نگاه هنرمند نسبت به حقیقت اسلام بوده است. ادراک و فهم زبان عالم تکوین به معنای فهم حقیقت هستی و کشف رموز از عالم هستی و عالم تکوین بوده است. در حقیقت هنرمند مسلمان با غور در معنای عالم هستی قادر به انکشاف و پرده برداشتن از رموز هستی می‌گردد. این انسان باید حقیقت ادراک شده در هستی را بار دیگر در هنر خویش متجلی سازد و آنگاه هنر می‌تواند رسالت حقیقی خویش را به انجام رساند که تجلی دهنده آن حقایق در درون خود باشد. بنابراین هنرمند بار دیگر به تجلی بخشیدن به

آن حقیقت می‌پردازد و اما زبان بیان این حقیقت زبان رمز است و هنرمند به گونه‌ای به رمز پردازی در عالم می‌پردازد. فرایند خلق آثار هنری برآمده از زبان رمز، در فرایند ستر، انکشاف و تجلی تحقق می‌یابد که هنرمند با غور در این مراتب می‌تواند به حقیقت هستی نائل آید. گذر از این مراتب در فرایند خلق آثار هنری تنها برای هنرمندان در مرتبه خالقان رمز میسر بوده است و این هنرمندان که با تادیب نفس خویش به این مقام رسیده‌اند بسیار اندک می‌باشند. اما هنرمندان در مرتبه کاشفان رمز و حاملان رمز به مراتب بیشتر هستند که بسته به جایگاه خود، هر یک بخشی از رسالت هنر را به دوش می‌کشند. در نهایت، هر یک از این سه دسته هنرمند در دنیای هنر نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. حاملان رمز بیشتر بر سطح ظاهری تمرکز دارند، کاشفان رمز تلاش می‌کنند تا عمق معنایی آثار را درک کنند، در حالی که خالقان رمز قادر به خلق آثار نوآورانه‌ای هستند که تجلی‌دهنده حقایق عمیق‌تر است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تنوع در رویکردهای هنری و اهمیت هر یک در فرایند خلق و تفسیر هنر است. (نمودار ۲)



نمودار ۲. نسبت هنرمند با رمز در فرایند خلق اثر هنری.

فهرست منابع

- الباده، میرچا (۱۳۷۱)، ساختار رمز، ترجمه جلال ستاری، کلک، شماره ۲۹.
- بهروزی‌پور، حسین (۱۳۹۸)، صورت، بیان و معنا در نگارگری ایران بر پایه دیدگاه‌های دینی و عرفانی تیتوس بورکه‌هارت و سیدحسین نصر، مجله پژوهش هنر، ۳ (۱۰)، ۱۲۷-۱۴۸.
- قرآن کریم، سوره البقره، آیه ۶۲.
- اکبری، فاطمه، پورنامداریان، تقی (۱۳۹۰)، نمادونشان و تفاوت آن با رمز، رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳.

- پارسا، خالقی؛ چترودی، شمس (۱۳۹۰)، بررسی صور ابهام و عوامل آن در رسائل عرفانی سهروردی، شماره ۷۱.
- تقوایی، سید حسن (۱۳۹۰)، باغ ایرانی: زبان رمز آلود، منظر، شماره ۱۶.
- تقوایی، ویدا (۱۳۸۹)، بازخوانی صورت کاخ هشت بهشت اصفهان، نامه ی معماری و شهرسازی، شماره ۵.
- چاکری، آزاده؛ داودی رکن‌آبادی، ابوالفضل؛ شریف‌زاده، حمیدرضا (۱۴۰۰)، تجلی مفهوم رمز در هنر اسلامی بر اساس تئوری نشانه‌شناسی فرهنگی امپرتو اکو (مطالعه موردی: طلسم‌های ایرانی-اسلامی)، مطالعات هنر/اسلامی، ۱۸ (۴۳)، ۱۴۱-۱۵۴.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۰)، دیوان غزلیات حافظ، به کوشش حسین اعرابی، تهران: مرکز فرهنگی مکتب پناه.
- حلبی، اکبر، و ستاری فرد، شهرام (۱۳۹۶)، نگاهی به نمادهای عرفانی در معماری ایرانی-اسلامی، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد: دانشگاه علم و هنر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۲)، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، تهران، نشر مرکز.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، رمزاندیشی و هنرقلسی، تهران، نشر مرکز؛ چاپ دوم.
- صادقی، عادل (۱۳۹۸)، واقعیت مجازی و خیال در اندیشه ابن عربی، مطالعات دینی رسانه، شماره ۲.
- غزالی، محمد (۱۳۷۶)، کیمیای سعادت، طلوع و زرین تهران.
- قنبری، تابان؛ سلطان‌زاده، حسین؛ نصیرسلامی، محمدرضا (۱۳۹۶)، تطبیق نشانه‌شناسانه الگوی معماری ارگ کریمخان با درونمایه‌های فرهنگ ایلاتی زندیه، نشریه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۵.
- لاهیجی، محمد (۱۳۷۱)، شرح گلشن راز، با مقدمه ی کیوان سمیعی، تهران: سعدی.
- منصوری، سیما (۱۳۸۶)، کیفیت فضایی باغ ایرانی در ارتباط با چهارگانه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری؛ دانشگاه شهید بهشتی.
- نداف، سمانه؛ مقدس، جعفر (۱۳۹۰)، پیام‌های رمزگونه‌ی داستان ضحاک، مجله حافظ، شماره ۸۶.
- ندیمی، هادی (۱۳۷۸)، حقیقت نقش، نشریه‌نامه فرهنگستان علوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۵-۱۴.
- نصر اصفهانی، محمد رضا و حاتمی، حافظ (۱۳۸۸)، رمز و رمز‌گرایی با تکیه بر ادبیات منظوم عرفانی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۱۶.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر.
- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۷۸)، راز و رمز بیش دینی هنر، نشریه هنر، شماره ۴۰.
- هنری، احمدرضا (۱۳۹۷)، تحلیل و بررسی جایگاه رمزپردازی در هنر اسلامی، مجموعه مقالات همایش هنر اسلامی.



An Analysis of the Degrees of a Muslim Artist in Encountering Symbol and Its Representation

Somayeh Omidvari¹, Javad Aghajani Keshteli²

Type of article: original research
Receive: 2025-06-21, Accept Date: 2025-03-08
DOI: 10.22034/rph.2025.2054993.1118

Extended abstract

The language of symbols and mysteries is one of the methods of expression and creation in artistic and literary works by the artist. Certain artistic schools and movements—such as conceptual art, abstract art, art created based on religious and spiritual elements, art produced by mystics or followers of *futuwwa*, and artworks formed within the context of symbol, sign, and myth—are closely linked to the language of symbols and mysteries.

According to Iranian sages and mystics, meaning can manifest both externally and internally. The general audience can understand the apparent meaning; however, understanding the inner meaning requires knowledge and intuitive awareness. Inner meaning is symbol and mystery, and it can only be discovered by those familiar with symbolic knowledge. In *Sufi* terminology, a symbol is the inner meaning concealed beneath the outward words, inaccessible to those outside the path. Here, the symbol refers to what is hidden beneath apparent speech.

This article analyzes the relationship that the Muslim artist establishes with different degrees of the symbol. This analysis is based on the positions of the Muslim artist in relation to concepts of symbolization and deciphering across various levels. The research method of this article is descriptive-analytical in nature. The information-gathering method is library-based and relies on indexing tools from primary sources of Traditionalist thinkers and explanatory secondary sources. These library sources are related to the subject of symbol, symbolization, and decoding in Islamic art. Data analysis is conducted qualitatively with a qualitative content analysis approach. The research findings are obtained through the lens of Traditionalist thinkers such as René Guénon—a scholar who, believing in the relationship between form and shape and their levels, considered the higher realm as the archetype

1. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Art, Yazd, Iran (Corresponding Author). Email: s.omidvari@sau.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Art Research, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Arts, Yazd, Iran. Email: j.aghajani@sau.ac.ir

of the lower and regarded the lower levels as symbols of the higher levels. The existence of pairs of form and meaning is one of the systems that holds significance in the world of creation and, consequently, in religious law. The connection between meaning and its manifestation in form differs across various artistic expressions. An artist, depending on the worldview and culture in which he is raised, chooses different methods to achieve this manifestation in his art, just as the cosmos itself consists of multiple levels. One level belongs to the world of meaning, and another to the world of form. Between these two, other levels also exist. However, each level acts as a veil to the level above it, preventing the perception of the meanings and truths of the higher levels within the lower ones.

Often, in the transmission of meanings from the world of meaning to the world of form, the artist undergoes a stage of decoding and a stage of encoding. In the stage of decoding, the artist interprets the symbols of the natural world—namely the world of creation—and engages in discovering or unveiling the secrets of this world. Undoubtedly, symbols are not unveiled through intellect or sensation alone; rather, the inner capacities of intuition and insight within the human being make decoding possible. By outlining the levels of these worlds and their relationship in the processes of symbolization and decoding by the artist, one can identify three stages—concealment, unveiling, and manifestation—in the process of creating a work of art.

In the stage of unveiling, the artist decodes the natural world and extracts meanings from nature, matter, or the world of creation. But in the stage of manifestation, these meanings must enter human artistic works. This stage in the creative process can be described as manifestation. Since in the manifestation stage, great meanings must once again transform into material-world appearances, the artist is inevitably required to once again use symbols and manifest meaning through symbolic forms. Therefore, it could be said that the work of the artist is both decoding and encoding.

The artist expresses meanings through forms and symbols so that each person, according to his capacity, may perceive these meanings. The position of the artist in the process of creating a work of art is of great importance. This person's (the artist's) view of art is not merely as a profession or a means of earning a livelihood, but as a mission. For a Muslim artist, this mission is the decoding of the world—a decoding that reveals the mysteries of existence and manifests them through art. The Muslim artist often learns artistic skills within a traditional culture and civilization under the guidance of a master craftsman. However, before teaching the technical skills, the master first imparts the ethics and values of the craft. In the process of creating artworks, each artist, depending on the refinement and discipline of his soul and his connection to the world of meaning, establishes a different relationship with the concept of the symbol. One group seeks a

true understanding of the symbol and its manifestation in art, while another carries only the outward form of the symbols without grasping their higher, essential meanings.

Thus, artists may be categorized into three levels in their relation to symbolic concepts: bearers of the symbol, discoverers of the symbol, and creators of the symbol. Creators of the symbol are those who use the language of art to manifest hidden messages and meanings in their work. They employ various artistic media—such as painting, calligraphy, architecture, and pottery—to convey religious, philosophical, social, and political concepts in a symbolic manner. They make use of symbols, geometric shapes, colors, and inscriptions to express meanings that go beyond the surface of the work. Discoverers of the symbol include both artists and audiences. These are individuals who attain a proper understanding of the hidden meanings and wisdom embedded in traditional and Islamic arts. They interpret and expand upon these meanings through the use of the symbols and forms present in artworks, acting as intermediaries between the creators and bearers of the symbol. Bearers of the symbol are artists who serve as a bridge between Islamic and contemporary art. Although they have not grasped the deep meanings and hidden wisdom in Islamic arts, have managed to transfer the cultural heritage of the past to new generations by focusing on techniques and creating the outward forms of these arts.

Therefore, it can be said that the artist first seeks to discover and understand the truths of the world, and then seeks to manifest those truths. The language through which this truth is expressed is the language of symbolism, and the artist engages in a kind of symbol-making within the world. The process of creating artworks through the language of symbolism unfolds through the stages of veiling (*sitr*), unveiling (*inkishāf*), and manifestation (*tajallī*)—a progression through which the artist, by deeply contemplating these levels, can attain the truth of existence. Passing through these stages in the creative process is achievable only for artists at the level of symbol creators. It is only these artists who have refined and disciplined their souls—who have reached this rank, and they are exceedingly rare. However, artists at the levels of discoverers and bearers of the symbol are far more numerous, and each, according to their position, carries a part of art's sacred mission.

Keywords: Islamic Art, Sacred Art, Traditionalism, Symbol, Symbolic Art, Mystical Art



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)